

اثرات اشتغال زنان بر خانواده
(تحقیقی در بین زنان شاغل و متأهل وزارت کار و امور اجتماعی)

دکتر باقر ساروخانی^۱، ثریا گودرزی^۲

چکیده

هدف از این تحقیق، بررسی "اثرات اشتغال زنان بر خانواده" بوده و جامعه آماری مورد نظر، زنان متأهل و شاغل وزارت کار و امور اجتماعی می باشد که تعداد آنها ۲۱۱ نفر و به صورت تمام شماری مورد بررسی قرار گرفته اند. روش تحقیق پیمایشی، اسنادی و آماری، ابزار گردآوری اطلاعات پژوهش پرسشنامه می باشد. روایی به روش اعتبار محتوا و پایایی آن با ملاک آلفای کرونباخ سنجیده شده است. برای تحلیل آماری و آزمون فرضیه ها از آزمون کای اسکور با χ^2 استفاده شده و تمامی فرضیه ها در سطح معنی داری 0.05 درصد و با اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار گرفته اند. در این تحقیق مشخص شد زنان شاغل در فصل تعطیلات برای نگهداری فرزندان محصل خود با مشکلاتی مواجه هستند و نیز شاغل بودن باعث کاهش بعد خانواده آنها می شود. همچنین اشتغال زنان بر مناسبات همسراری آنها، آرمانهای تحصیلی در مورد فرزندان، تغذیه، اوقات فراغت و هرم قدرت (باعث افقی شدن هرم قدرت در خانواده می شود) خانواده تأثیر گذاشته و نیز باعث سندرم تعجیل - تأخیر و فرسایش زود رس در زنان شاغل می شود. آزمون همبستگی به کار رفته در این تحقیق آزمون همبستگی اسپیرمن می باشد که نشان داد بین میزان تحصیلات زنان شاغل و تعداد فرزندان آنها رابطه معکوس وجود دارد و نیز بین میزان قدرت تصمیم گیری زنان شاغل با سن آنها رابطه معنا داری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: خانواده، اشتغال زنان، اشتغال پاره وقت، بازار کار، شغل

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۲

۱- استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) E-mail: b.saroukhani@yahoo.com

۲- کارشناس دفتر توسعه اشتغال و سیاستگذاری بازار کار - وزارت کار و امور اجتماعی

مقدمه

خانواده چیزی بیش از مجموعه افرادی است که در یک فضای مادی و روانی به سر می‌برند. یک نظام اجتماعی و طبیعی است که ویژگیهای خاص خود را دارد. این نظام از یک ساختار منظم و قدرتمند برخوردار بوده، صورتهای پیچیده‌ای از پیام‌رسانیهای آشکار و نهان را به وجود آورده و روشهای مذاکره و مسئله‌گشایی متنوعی را در اختیار دارد. رابطه‌های این خرده‌فرهنگ، رابطه‌ای عمیق و چند لایه است که عمدتاً براساس تاریخچه مشترک، ادراکها و فرضهای مشترک و درونی شده راجع به جهان و اهداف مشترک بنا شده است. همچنین مفهوم خانواده و ارزش این نهاد اجتماعی برای هر دولت و جامعه‌ای اساس کار تلقی می‌شود و هر جامعه متناسب با ارزشهای خود ابتدا به سراغ خانواده می‌رود تا از درون آن، شهروندان آتی خویش را بیوراند.

اشتغال زنان در فعالیتهای اقتصادی در چند دهه گذشته و بویژه در جامعه شهری بسیاری از کشورها از اهمیتی ویژه برخوردار است. در اغلب شهرهای بزرگ ایران، همگام با دسترسی بیشتر زنان به سازمانهای آموزشی (مدارس، دانشگاهها) گرایش آنان به اشتغال چشمگیر بوده اما به رغم مطرح شدن این مقوله در میان برخی گروهها، شرایط اجتماعی _ فرهنگی جامعه در بسیاری از موارد، برای این فرآیند آماده نبوده است. اشتغال زنان از سویی مسایلی حاد در زندگی زناشویی به وجود آورده و از سویی دیگر اختلاف عقیده را میان توده‌های مختلف مردم موجب شد. وضعیت زنان که حدود نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند در سراسر دنیا تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (اشتغال، بهداشت، ازدواج، باروری و آموزش و پرورش) قرار دارد. زنان مخصوصاً در کشورهای جهان سوم، سخت‌تر از مردان کار می‌کنند ولی به کار آنها معمولاً بهایی کم داده می‌شود و حقوق مناسبی دریافت نمی‌کنند.

همچنین باتوجه به همه جانبه بودن مفهوم توسعه، هنگامی روند آن سیر مطلوب را در جهان طی می‌کند که امکانات و تمهیدات فراهم آمده برای نیمی از جمعیت یعنی زنان، به گونه‌ای باشد تا ضمن حفظ و تقویت شئون انسانی و تحکیم جایگاه وی در خانواده، زمینه شکوفایی ابتکار و خلاقیت را برای آنان ایجاد و امکان ارتقاء فرهنگی و مشارکت سازنده و گسترده‌شان را در جامعه فراهم آورد.

تعاریف و مفاهیم

خانواده

۱- خانواده، گروهی است که رابطه تمامی اعضای آن با یکدیگر بر محور ازدواج یا زاد و ولد به وجود آمده باشد، اعم از اینکه زوجین یا یکی از آنها در قید حیات باشند یا نباشند. فرزند خواندگی نیز در شمول این تعریف قرار می گیرد (تعاریف و مفاهیم استاندارد: برای استفاده در طرحها و گزارش های آماری، مرکز آمار ایران، ویراست ۲. تهران: ۱۳۸۶).

۲- خانواده، عبارت است از تعدادی از افراد که پیوندهای نسبی، سببی و همخونی داشته باشند. (ساروخانی)

اشتغال زنان

عبارت است از کاری که به صورت منظم و بیرون از محیط خانه انجام پذیرفته و درآمد معینی به آن اختصاص می یابد و این درآمد متعلق به زن می باشد. (ساروخانی)

اشتغال پاره وقت

اشتغال پاره وقت به اشتغال منظم و اختیاری برای یک دوره روزانه یا هفتگی گفته می شود که مدت آن کمتر از ساعات کار معمول باشد (مرکز آمار ایران. نتایج آمارگیری نیروی کار، ۱۳۸۴).

بازار کار

بازاری که در آن نیروی انسانی در قیمتی معین به نام دستمزد، خرید و فروش شود. عده ای معتقدند که بازار کار می تواند با ساز و کار عرضه و تقاضای خود در چارچوب نظریه عمومی قیمتها، سطح دستمزد و حقوق را تعیین کند. تغییرات حقوق و دستمزد و جابجایی کارگران از شغلی به شغل دیگر را تنظیم کند و به این ترتیب، تخصیص بهینه منابع صورت پذیرد (فرهنگ اصطلاحات کارآفرینی، مرکز انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۸۴).

شغل

نوع کاری است که توسط شخص در طول زمان مرجع انجام می شود یا انجام آنرا بر عهده دارد (فرهنگ اصطلاحات کارآفرینی، مرکز انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۸۴).

بیان مسأله

خانواده در جهان امروز در روند تکاملی اش برخی از کارکردهای خود را از دست داده، اما کارکردهای اساسی آن، یعنی تشکیل شخصیت اجتماعی - فرهنگی، هنوز باقی است. بویژه، طرفداران مکتب ساختارگرایی _ کارکردگرایی براین عقیده ی خود، که اجتماعی شدن تنها

توسط خانواده صورت می‌گیرد، اصرار می‌ورزند. گسترش اشتغال زنان و مشارکت بیشتر آنان در امور اجتماعی از جمله نمودهای کنونی نهاد خانواده در ایران است که شناخت هرچه بیشتر تأثیرات آن بر روابط خانوادگی، مسایل اقتصادی، کیفیت روابط عاطفی و... چشم انداز روشن تری نسبت به آینده‌ی خانواده، در اختیار ما قرار می‌دهد.

اشتغال زنان با توجه به گسترش روزافزون سازمانها و نهادهای اجتماعی و ایجاد مراکز خدماتی و افزایش جمعیت شهرها از مهمترین مسایلی است که در رابطه‌ی تنگاتنگ با خانواده قرار می‌گیرد. کاهش و از بین رفتن الگوی خانواده‌ی گسترده و رشد خانواده‌های هسته‌ای که سبب می‌شود تا زن و شوهر به عنوان دو رکن اصلی خانواده جدا از خانواده‌های خویش با یکدیگر زندگی کنند، سبب افزایش توجه به موضوع مشارکت زنان می‌شود (مدنی‌گیوی، ۱۳۸۶، صص ۵-۶).

تغییرات اقتصادی، صنعتی شدن، موج نوگرایی و به طور کلی تغییرات اجتماعی اثرات چشمگیری بر وضعیت خانواده و موقعیت زنان به جای گذاشته‌اند. همچنین شهرنشینی و چند فرهنگی شدن جوامع خود تغییرات معناداری در هنجارها و نظام ارزشی قشرهای مختلف بر جای گذاشته است، یعنی اقبال مختلف اجتماعی با دریافت الگوهای جدید از یکدیگر به دنبال جریان شهرنشینی، تغییرات زیادی در موقعیت زنان و وضعیت خانواده ایجاد کرده‌اند که از دیدگاه جمعیتی و اجتماعی حائز اهمیت فراوان است (شیخی، ۱۳۸۰، ص ۸۸).

علی‌رغم این که مادر رکن اصلی رابطه زناشویی تلقی می‌شود و تأثیرش بر سلامت خانواده جای بحث و تردید ندارد، اما اهمیت نقش و حضور وی به عنوان زن شاغل در جامعه و خانواده ایرانی با اعتقادات و ارزشهای خاص این جامعه، چندان که باید مورد مطالعه و پژوهش قرار نگرفته است. شرایط اجتماعی و فرهنگی ما در بسیاری موارد پویایی مناسب با اشتغال زنان را ندارد و همین امر می‌تواند مسائل حادی ایجاد کند. وقتی یک زن براساس تمایل شخصی یا اجبار اقتصادی به کار خارج از منزل می‌پردازد، شغل او بخشی از زندگی را تشکیل می‌دهد چنانچه شرایط خانوادگی، اجتماعی و شغلی برای ایجاد تعادل میان کار و زندگی مناسب باشد، احساس آرامش نموده و عملکرد خانواده بهبود می‌یابد. اما وقتی شغل او با شرایط و امکانات موجود در تعارض باشد در وی احساس فشار روانی و استرس ایجاد می‌کند و این فشار به کارآیی خانواده آسیب وارد می‌کند (همتی، ۱۳۸۴، صص ۹-۱۰).

اهمیت و ضرورت تحقیق

باتوجه به اینکه اشتغال زنان هم در چارچوب خانواده و هم در جامعه نمود دارد و باعث تغییراتی می شود، اهمیت پرداختن به مسئله اشتغال زنان و بررسی عوامل اثرگذار بر پیامدهای آن روشن می شود.

اشتغال زنان بطور مستقیم و غیر مستقیم تأثیراتی بر خانواده و زندگی زن بر جای می گذارد. این پدیده به طرز آشکاری تعادل سنتی نقش های خانوادگی را بر هم زده و خود به خود بر جنبه های دیگر زندگی خانوادگی اثر گذاشته است.

پذیرش مسئولیت های اجتماعی و ایفای نقش های برابر با مردان در جامعه، از یک طرف نظام هنجارهای حاکم بر جامعه و در نتیجه هنجارهای حاکم بر نقش ها و روابط زن و شوهر در خانواده را تغییر می دهد و از دیگر سوی، صرف وقت و انرژی لازم برای اجرای مسئولیت های اجتماعی، نیاز به تجدید نظر در چگونگی تقسیم کار و وظایف کار خانگی زنان را موجب می شود (شادی طلب، ۱۳۸۱، ص ۷۹).

اشتغال مادران، پدیده ای است که جامعه ما شاید تازه با آن درگیر شده باشد. هر روز بر تعداد مادرانی که به اشتغال بیرون از منزل روی می آورند، افزوده می شود بنابراین خانواده و روابط خانوادگی از این وضعیت جدید متأثر می شود. اشتغال زنان با مسائلی چون درگیریهای روانی میان زن و مرد و مشکلات رفتاری بچه ها نیز مواجه شده است. از این رو ضروری است پی آمدهای اشتغال زنان بر خانواده مورد توجه قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

مطالعات داخلی

۱- باقر ساروخانی در پژوهش میدانی خود درباره اشتغال زن، به آثار مثبت و منفی اشتغال زن بر خانواده اشاره می کند. براساس نتایج به دست آمده از پژوهش او که با جمعیت نمونه ی ۱۰۲۰ خانواده و در سال ۱۳۵۴ انجام شده است، ۳۶/۵ درصد از مادران موافق مطلق اشتغال زن، ۲۷ درصد مخالف مطلق و ۳۲/۳ درصد موافق مشروط اشتغال زنان بوده اند. ۵۷ درصد از زنان موافق اشتغال زنان، دلیل خود را کمک اقتصادی به خانه دانسته اند. ۴۰ درصد نیز دلایل روانی، اعتبار اجتماعی و استقلال زن را مطرح نموده اند.

به اعتقاد ساروخانی، اشتغال زنان به صورت کنونی، از پدیده‌های نوین تاریخ بشری است. همچنین حرکت گسترده‌ی زنان به بازار کار خارج از خانه، نمی‌تواند و نباید بدون هیچ دگرگونی ساختی باقی بماند. به همین جهت، پیدایش سازمانهای زیربنایی همچون مهد کودک و پیشنهاد می‌شود. به همراه این شبکه‌ی مادی، باید شاهد دگرگونی‌های ذهنی و روانی نیز در جامعه جدید بود. بازبینی در تقسیم کار در خانه، لزوم برخورد با ارزش‌زدایی کارهای خانگی، دوره‌ای شدن اشتغال زنان برحسب وظایف خانگی و حضانت فرزندان و توجه به آثار نامطلوب میل کاذب به اشتغال زنان از دیگر نتایج و توصیه‌های او در این پژوهش است (ساروخانی، ۱۳۵۴).

۲- اقدس ساجد در رساله دوره فوق لیسانس خود تحت عنوان « اثرات اشتغال زنان بر خانواده » نتیجه می‌گیرد:

الف _ کمک مالی زن شاغل موجب بهبود وضع اقتصادی خانواده وی می‌شود.

ب _ شاغل شدن زن قدرت تصمیم‌گیری او را در خانواده اش افزایش می‌دهد.

ج _ نزدیک به نیمی از همسران زنان شاغل در انجام کارهای منزل و نگهداری کودکان

خود مشارکت دارند (حسن زاده، ۱۳۸۶).

۳- تأثیر اشتغال زنان بر سلامت روان همسرانشان نوشته مریم اوتادی است. این پژوهش به بررسی تأثیر اشتغال زن بر روی سلامت روان همسران آنان پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که:

۱- میزان تحصیلات سلامت روان زنان نقش تعیین‌کننده‌ای را در پیش‌بینی سلامت روان مردان

دارد. ۲- میزان رضایت از زندگی زنان نقش تعیین‌کننده‌ای را در پیش‌بینی سلامت روان مردان

دارد. ۳- میزان مراجعه به روانپزشک زنان نقش تعیین‌کننده‌ای را در پیش‌بینی سلامت روان

مردان دارد (اوتادی، ۱۳۸۰).

۴- بررسی اشتغال زنان متأهل و مشکلات آنها (با نگاهی به تأثیر اشتغال زنان در خانواده) از بتول

موسوی که در تحقیق حاضر سعی شده تا به برخی از مسائل جامعه‌شناختی اشتغال زنان از جمله

بررسی فعالیت آنان، موانع مشارکت، ارتباط اشتغال زنان با توسعه و تمهیدات جهانی در زمینه

اشتغال زنان پرداخته شود و سپس به منظور اختصاصی تر کردن کار، مسئله تأثیر اشتغال زنان در

خانواده با تأکید بر تأثیر بر فرزندان، روابط با همسر و تأثیر بر خود زن بررسی شود (موسوی، ۱۳۷۸).

مطالعات خارجی

۱- آندره میشل در کتاب خود به نام جامعه شناسی خانواده و ازدواج می نویسد که مطالعات در امریکا و فرانسه نشان داده است که زن و مرد خانواده آمریکایی و خانواده های شهری فرانسوی در تصمیم گیری تقریباً برابرند به طوری که نقش کدبانوگری و عاطفی به زن اختصاص ندارد (میشل، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹)

علاوه بر این در ایالات متحده و اروپا، محققین با تحقیقات خود نشان داده اند که شغل زن با کاهش قدرت شوهر و برابری در تصمیم گیری همراه است که مبین بهبود پایگاه حقوقی زن در زندگی زناشویی است. هرچند مطالعات در ایالات متحده، فرانسه، لهستان، روسیه و سوئد نشان میدهد زنان با وجود کار خارج از منزل، سنگین ترین وظایف مربوط به کار منزل را بر دوش دارند و شوهرانشان در کار منزل براساس برابری به آنها یاری نمی دهند (همان، ص ۱۹۴).

۲- در ایالات متحده امریکا «دیوید هیر» روی روابط بین کار زن و قدرت بدون توجه به شخصیت‌های متفاوت شوهران و زنان شاغل و خانه دار در مطالعه ای به عمل آورده و به این نتیجه رسیده است که خصوصیت مسلط در خارج از محدوده خانواده که برای وی در منزل ایجاد قدرت می کند، در مورد زن شاغل صادق نیست. در (آلمان) لاموزه، (لهستان) پیوتروفسکی، (انگلستان) یونک و یلموت مشاهده کرده اند که شغل زن باعث مشارکت بیشتر مرد در کارهای منزل می شود (ذاکر، ۱۳۸۶، ص ۲۶).

۳- در یک مطالعه انجام شده طی سالهای ۱۹۸۱ الی ۱۹۸۹ در کانادا نتایج بدست آمده که جنبه های مثبت و منفی اشتغال زنان در آن به چشم می خورد:

الف- استخدام تمام وقت مادران، اضطراب والدین در مورد رفاه کودکان را افزایش میدهد و لذا بر روابط زناشویی تأثیر منفی می گذارد.

ب- استخدام تمام وقت زنان آنان را در انجام کارهای مربوط به خانه سست نموده و هرچند شوهرانشان و همچنین فرزندان مقداری از مسئولیت خانه را برعهده بگیرند، ولی چون تنها کمک هستند و بخش اصلی کار مربوط به خود زنان است، لذا بر روی روابط آنها تأثیر منفی می گذارد و موجب تأثر خاطر زنان می گردد.

ج- افزایش روزافزون مهد کودکانها و سایر سیاستهایی که برای رفع مشکل زنان شاغل به کار برده می شوند، هرگز از میزان نگرانی، خستگی جسمی و افسوس و سایر اضطرابهای روانی و احساسی

در محیط کار نمی‌کاهد. پژوهش‌ها در این زمینه بیانگر این مسئله است که در همه جوامع نقش اصلی برای زن، نقش مادری و همسری بیان شده است (سفیری، ۱۳۷۷، ص ۸۹).

۴- رنه کونیک، لوپری، زوسویک و روچلید در تحقیقات خود نشان داده‌اند که پایگاه حقوقی شغل زن، یکی از معنی‌دارترین عوامل تعیین‌کننده کنش متقابل زناشویی است. براساس تحقیقات آنها شغل زن، با کاهش قدرت شوهر و برابری در تصمیم‌گیری همراه است. به عبارت دیگر داشتن شغل برای زن درآمدی به وجود می‌آورد که می‌تواند بوسیله آن پایگاه حقوقی خویش را به نحو قابل توجهی بهبود ببخشد. پایگاه حقوقی شغل زن به عنوان یک متغیر مستقل، در توزیع قدرت، انجام کارهای منزل، مفهوم نقش‌های زن و مرد، تعداد واقعی و تعداد مطلوب فرزندان، موفقیت در برنامه‌ریزی خانوادگی و به خصوص تعداد مطلوب فرزندان و رضایت زن در ازدواج موثر است (ذاکر، ۱۳۸۶، ص ۲۵).

۵- مقاله روند جهانی اشتغال زنان برگرفته از سازمان بین‌المللی کار (۲۰۰۸) بیان می‌دارد: طی سال ۲۰۰۸ زنان بیشتری وارد بازار کار می‌شوند، اما بیش از نیمی از آنان در مشاغل آسیب‌پذیر مشغول به کارند! طبق گزارش سازمان جهانی کار که به مناسبت روز زن منتشر شده است، تعداد زنان شاغل نسبت به قبل بیشتر شده است، اما آنان بیش از مردان در مشاغل کم‌دستمزد و آسیب‌پذیر مشغول به کارند بدون آنکه از حمایت اجتماعی، حقوقی ابتدایی در محل کار برخوردار باشند. ۲۰۰ میلیون نفر بر تعداد زنان شاغل در دهه گذشته افزوده شده است و در سال ۲۰۰۷ به رقم ۱/۲ میلیارد نفر در مقایسه با ۱/۸ میلیارد مرد شاغل رسیده است (www.ilo.org).

هدف کلی

هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیرات اشتغال زنان بر خانواده آنها می‌باشد که این تحقیق در بین زنان شاغل وزارت کار و امور اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

اهداف خاص

- بررسی فرسایش زودرس و هدر رفتن انرژی مازاد زنان شاغل.
- بررسی سندرم تأخیر و تعجیل زنان شاغل در انجام کارهایشان.
- مشکلات زنان شاغل در فصل تعطیلات جهت نگهداری کودکان محصلشان.
- تأثیر اشتغال زنان بر بعد خانواده آنها.
- تأثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده.

- اشتغال زنان و چگونگی روابط و مناسبات آنها با همسرانشان.

پرسشهای تحقیق

۱. آیا اشتغال زنان باعث فرسایش زودرس و هدر رفتن انرژی مازاد آنها می شود؟
۲. آیا زنان شاغل در انجام کارهایشان دچار سندرم تأخیر و تعجیل هستند؟
۳. آیا زنان شاغل در فصل تعطیلات در نگهداری کودکان محصل خود دچار مشکل می شوند؟
۴. آیا اشتغال زنان بر حجم خانواده آنها تأثیر می گذارد؟
۵. آیا اشتغال زنان هرم قدرت در خانواده را افقی می کند؟
۶. آیا اشتغال زنان بر روابط و مناسبات با همسرانشان تأثیر می گذارد؟

تاریخچه کار زنان

مرد و زن در طول تاریخ از مراحل مختلف تکامل اجتماعی گذشته، آنها به کمک و همراهی یکدیگر کار و زندگی کردند، با یکدیگر کشاورزی را بوجود آوردند، با یکدیگر در دوران برده داری، سرواژ(ارباب- رعیتی) زندگی کردند، مراحل زندگی قرون وسطی و کار تحت کنترل و نظارت اصناف را با یکدیگر گذراندند و در نهایت هر دو به عنوان نیروی کاری وارد جهان صنعتی شدند.

بررسی اشتغال زنان نشان می دهد کار تفاوتی بر روی زندگی هر یک، زن و مرد داشته است. این تفاوت در طول تاریخ وجود داشته و به طور اجمالی همیشه به ضرر زن بوده است. تاریخ کار زنان نشان می دهد که زنها همراه با فرزند آوری به انواع و اقسام فعالیتها اشتغال داشته اند، هم فعالیتهایی که زنانه بوده است و هم فعالیتهایی که امروزه به عنوان مشاغل مردانه و طاقت فرسا شناخته می شوند.

نکته ای که در تمام تاریخ کار زنان به چشم می خورد و معمولاً به سادگی از آن می گذرند، ضرورت اقتصادی کار زنان است، در تمام طول تاریخ شرایط اجتماعی وضعیتی را بوجود می آورد که بسیاری از آنان می بایست از خود، فرزندان و گاه والدین خود سرپرستی کنند. این گروه مجبور به کار بودند.

علاوه بر این بسیاری از زنان متأهل نیز برای ادامه زندگی خانواده مجبور به کسب درآمد بودند. بنابراین تقابل زن- شاغل در برابر زن- مادر برای درصد بالایی از زنان شاغل، اصلاً مطرح نمی‌شود، زیرا مسأله بر سر انتخاب این یا آن نبوده، بلکه ضرورت اقتصادی زندگی بوده است. به تدریج که رفاه اجتماعی گسترش یافت و تأمین اجتماعی افراد جامعه و حمایت از زنان متأهل- شاغل و قوانین آن مطرح شد، بسیاری از جوامع امروزی متوجه شدند که حمایت از زن شاغل (متأهل) باید در دستور کار قرار گیرد و نه طرد زن از محیط کار. و پدیده زن متأهل شاغل در جوامع به وجود آمد و رشد کرد و موقعیت زنان در خانواده تغییر کرد (همان منبع، صص ۱۴۳-۱۳۹)

تغییر نقش زنان در خانواده

در تغییر نقش زنان در خانواده دگرگونیهای اجتماعی- اقتصادی تأثیر بسزایی داشتند. تغییرات قانونی، باعث دگرگونی اساسی در وضع زنان شد و زنان بتدریج در حیطه‌های گوناگون خانواده، شغلی و جامعه دارای حقوقی مشابه با مردها شدند. امکان آموزش، ورود به دانشگاه و اشتغال در مشاغلی که قبلاً خاص مردان بود و حق رأی را بدست آوردند در امور اجتماعی- سیاسی مملکت حق شرکت یافتند. مهمترین دگرگونی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جدایی میان محل کار و زندگی بود. در اثر این جدایی مکانی، زنان نقش جدیدی، نقش زن متأهل- شاغل پیدا کردند. تغییر موقعیت زن‌ها در خانواده با این نقش جدید وابسته است. در صورتی که کار زنان خود پدیده جدیدی نیست، اما در قرن بیستم شکل خاصی به خود گرفت که باعث بحث و گفتگوی فراوان شد و تاکنون ادامه دارد. از عوامل مهم دیگر که باعث دگرگونی نقش زن در خانواده شد جدایی محل کار و زندگی و ایجاد دو نقش مادری و کار است که گویا در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند (اعزازی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸).

نگاهی بر آثار مثبت و منفی اشتغال زنان در خانواده و اجتماع

یافته‌های تحقیقاتی در مورد فواید اشتغال برای خود زنان و نیز برای خانواده آنها نشان می‌دهد که عامل اقتصادی و تأمین بخشی از هزینه‌های خانواده (۸۱ درصد) و کسب استقلال مالی برای زن (۵۷ درصد) بیشترین سهم را داشته است و نزدیک به ۳۴ درصد، به بهبود پایگاه اجتماعی خود در جامعه، و ۸ درصد به تأثیر نسبت آن در امور فرهنگی- اجتماعی خانواده اشاره دارند. در کل، ارتقای سطح بهداشت خانواده، بهره‌وری بیشتر از منابع مادی و معنوی خانواده، افزایش توان مدیریتی زن در خانواده، افزایش روحیه اعتماد به نفس زن در اجتماع، پر شدن اوقات فراغت

و جلوگیری از آسیب پذیری اجتماعی، تأمین اجتماعی زنان در مواقع بروز بحرانهای مختلف، شکوفایی استعدادهای انسانی زن، احساس مسئولیت بیشتر نسبت به خانواده، تأثیر در کاهش نرخ رشد جمعیت، استقلال مالی زن و استحکام یافتن خانواده، ارتقای سطح باروری در زنان به همراه سازندگی بیشتر، از جمله آثار مثبت اشتغال زنان در خانواده و جامعه محسوب می شود. لیک فشار جسمی و روحی به دلیل ایفای نقشهای چند گانه، عدم تأمین نیاز عاطفی در خانواده، فشار روحی و اضطراب ناشی از دوری فرزند و خانواده، عدم ایفای کامل نقش مادری و همسری، تأثیر اجتماعی سوء روابط زنان به دلیل عدم رعایت شئون اسلامی در جامعه، از جمله آثار منفی اشتغال زنان در خانواده و جامعه می باشند (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰، ص ۱۹).

مبانی نظری

الف: نظریه های جنسیتی^۱

نکته اصلی نظریه های جنسیتی این است که موقعیت تابعی زنان در بازار کار و در خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک سیستم کلی اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند. یک موضوع کلیدی (نه فرضی) در نظریه های جنسیت، اختصاص کار خانگی (به ویژه مراقبت کودک) به زن‌هاست. فریدمن^۲ می گوید برای اینکه علت عدم وجود شغل «مناسب» برای زنان و اشتغال آنها در مشاغل پست تر را درک بکنیم باید عوامل داخلی بازار کار را کنار بگذاریم و به شرایطی که زنها تحت آن شرایط نیروی کار خود را می فروشند توجه کنیم. وانگ و دیگران^۳ بر این باورند که هم در کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار و هم در جوامع صنعتی دیگر که متکی به بازار نیستند، حتی هنگامی که زنها در خارج از خانه کار می کنند باز هم کار خانگی، به ویژه مراقبت کودک، به آنها اختصاص دارد. موضوع دیگری که به وسیله نویسندگان طرفدار نظریه جنسیتی مطرح گردیده مزاحمت های جنسی^۴ است.

فارلی^۵ عقیده دارد که این نوع مزاحمت ها عامل مهمی در جا به جایی زیاد کارگران زن است زیرا دست کشیدن از کار چاره اصلی این نوع گرفتاری است. وی همچنین می گوید این مزاحمت ها در جدا سازی مشاغل بنا بر جنسیت افراد و تداوم آن تا حدود زیادی موثر بوده و غالباً مساعی مربوط به وارد کردن زنان در مشاغلی که در قلمرو مردان قرار دارد از این طریق خنثی شده است.

نظریه‌های جنسیتی همچنین تأکید می‌کنند که گرایش "مشاغل زنانه" برای این است که انعکاسی از نقش خانگی زنان باشد (نظیر آموزگاری، پرستاری، نظافت، پذیرایی) و درست همان طور که در بیشتر جوامع کار خانگی زنها کم ارزش تر شده است، این مشاغل و مهارت‌ها نیز کم ارزش می‌باشند. در واقع ممکن است مهارت مورد نیاز برای بعضی از مشاغل زنان از مشاغل مردان که مزد بیشتری برای آن پرداخت می‌شود کمتر نباشد اما این مشاغل به دلیل اینکه زنها بیشتر در آن مهارت کسب کرده اند دست کم گرفته می‌شوند.

نقش عمده نظریه‌های جنسیت نشان دادن این مطلب است که موقعیت زنان در بازار کار را می‌توان به عنوان جزئی از کل سیستم اجتماعی که در آن زنها تابع هستند، در نظر گرفت (کار، ۱۳۷۸، صص ۲۷-۲۳).

ب: نظریه سقف شیشه‌ای ۶

اصطلاح سقف شیشه‌ای به پدیده‌ای اشاره می‌کند که در بسیاری موارد زنان به نظر می‌رسد خیلی خوب در مؤسسات خود تا جای معینی بالا می‌روند و سپس به نظر می‌رسد که یک مانع یا سقفی وجود دارد که از پیشرفت بیشتر آنان جلوگیری می‌کند. برای مثال برخی از زنان به سطوح بالاتر مدیریتی دست می‌یابند، اما به نظر می‌رسد که نمی‌توانند درهای مدیریتی اجرایی را بکشایند، آنها می‌توانند مشاغل مدیریتی اجرایی را از پشت شیشه ببینند، اما نمی‌توانند مانع را از میان بردارند. چه شواهدی در مورد این موانع شیشه‌ای وجود دارد؟ در یک مطالعه درباره‌ی موفقیت ۱۰۰۰ کمپانی توسط وزارت کار آمریکا، در ۱۹۹۲ دیده شده که اگرچه ۳۲ درصد کارکنان این کمپانی‌ها زنان هستند، اما آنها تنها ۱۶/۹ درصد مدیران را تشکیل می‌دهند زنان در بالاترین سطوح شرکت‌ها فقط ۶/۶ درصد مسئولیت اجرایی داشتند. دقیقاً همین الگو در مورد افراد رنگین پوست هم صادق است هر قدر به سطوح بالاتر شرکت‌ها می‌رویم. تعداد زنان و افراد رنگین پوست کمتر می‌شود و این همان معنای سقف شیشه‌ای است. در میان زنانی که گفته بودند که در شرکت‌های قبلی‌شان سقف شیشه‌ای وجود داشته است، ۸۰ درصد اظهار داشتند که این مانع دلیل مهمی برای ترک آن کار بوده است. این زنان معمولاً به شرکت‌هایی منتقل شده‌اند که شرایط عادلانه‌تری برای زنان داشته است یا آنها خود یک کار تجاری را آغاز کرده‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که کارهای تجاری که در مالکیت خود زنان است در حال شکوفایی و رونق است. این پدیده نشانه‌ای از مقاومت زنان است. بسیاری از زنان با استعداد در برابر مانع شیشه‌ای باقی نمی‌مانند.

مانند و به گونه ای منفعل آنرا تحمل نمی کنند، در عوض آنها به شرکت دیگری می روند و یا یک فعالیت تجاری را خود آغاز میکنند و زنانی که خود مالکیت کار تجاری را عهده دار هستند اغلب به گونه ای موفقیت آمیز با شرکت هایی رقابت می کنند که آنها ترک گفته اند (خمسه، ۱۳۸۳، صص ۲۶۶-۲۶۵).

پ: نظریه فمینیسم

او کلی^۷ از دیدگاههای مارکسیست فمینیستی استدلال می کند نقش مادر/ زن خانه دار به زنان ستم می کند و باید از میان برود. این امر بدون تجدید سازمان کامل اقتصاد و جامعه میسر نیست، زیرا نقش جنسیتی زن که نقش مادر/ زن خانه دار را نیز شامل می شود برای کارکرد عاری از تلاطم جامعه سرمایه داری ضروری است. زنی که مدعی لذت بردن از این نقش است از معنای حقیقی آن در جامعه ی سرمایه داری بی خبر است (او را می توان دارای آگاهی کاذب دانست) و به استعدادهای خود به عنوان فرد نیز پی نبرده است. چنین زنی تعریف سرمایه داری را از آنچه باید باشد پذیرفته است، این پذیرش گواه قدرت اقناعی چشم گیر طبقه حاکم است که از طریق نهادهای موثر در فرآیند جامعه پذیری نظیر خانواده، مدرسه و رسانه های گروهی در جامعه ی سرمایه داری اعمال می شود. در نظر او کلی این "طبع" زن نیست که او را به نقش مادر/ زن خانه دار محدود می کند بلکه این ناشی از نیازهای اقتصاد سرمایه داری است. ارزش های سرمایه داری استعدادها و توانایی زنان را عامدانه سرکوب می کند، این امر درباره مردان نیز صادق است، زیرا ارزشهای سرمایه داری آنها را به سوی یک نقش جنسیتی کلیشه ای سوق می دهد.

برخی فمینیست ها در این باره که از ایفای نقش مادر/ زن خانه دار توسط زن در خانواده چه کسی سود می برد با مارکسیست ها اختلاف نظر دارند. آنها این نکته را می پذیرند که برخی مردان از دیگران پر قدرت ترند اما معتقدند این مردان تمام طبقات (و نه طبقه حاکم سرمایه دار) هستند که از این سامان سود می برند زیرا زنان "خدمت" آنها را می کنند و مردان از اجبار به انجام رشته ای کارهای بی اجر و مزد و کسالت بار معاف می شوند. بدین سان حفظ مرد سالاری به نفع تمام مردان است. این به معنای محدود کردن فرصتهای زنان در بیرون از خانواده و تداوم موقعیتی فرودست برای زنان در درون آن است.

رادیکال فمینیست هایی چون **میلت**^۸ معتقدند زنان و مردان هر دو توسط مجموعه ی ارزشی ای که آنها را به ایفای نقشهای جنسیتی کلیشه ای زنانه یا مردانه وا می دارد، خواه ارزشهای مرد سالاری

خواه ارزشهای سرمایه داری، مورد ستم قرار می‌گیرند. رادیکال فمینیست‌ها پرداخت دستمزد کارخانه یا بچه داری را، که برخی فمینیست‌ها به عنوان راهی برای ارتقای منزلت نقش خانوادگی زن پیشنهاد کرده‌اند، رد می‌کنند. آنها استدلال می‌کنند این گونه اقدامات صرفاً دیدگاهی را تأیید می‌کند که این کارها را "کار زن" می‌داند و برای تغییر موقعیت زن در خانواده کمترین ثمری ندارد. در جامعه ایده آل هر فرد باید بتواند کاری که برای او جذابیت و با توانایی هایش تناسب بیشتری دارد، صرف نظر از جنس خود، انجام دهد. افرادی چون میچل^۹ تأکید می‌کنند زن و مرد درست همانطور که با نقش‌های جنسیتی سرکوب می‌شوند، از طریق شرطی شدن با این تصور که زندگی خانوادگی به لحاظ اجتماعی مطلوب است نیز ستم می‌بینند. او از تجارب متعددی در زمینه زندگی گروهی پشتیبانی کرده است زیرا معتقد است به دلیل منحصر به فرد بودن افراد ترتیب‌های متفاوت بسیاری می‌تواند نتیجه بخش باشد (گرت، ۱۳۸۲، صص ۷۶-۷۷)

ت: نظریه کارکردگرایی ۱۰

از نظر جامعه‌شناسان کارکردگرا، تنها نقش اساسی زنان در جامعه برآوردن نیازهای جنسی مردان و فرزند زایی است و نباید تغییری در این نقشها ایجاد گردد. همچنین تقسیم کار جنسی در خانواده متضمن خرسندی افراد و وجود خانواده ای کارا و با ثبات است. این تقسیم کار به نفع هر دو جنس و جامعه است. رابرت لین در کتاب "زندگی سیاسی" می‌گوید: «مشارکت زنان در امور سیاسی یا هر نوع وابستگی خارج از خانه، به معنی دزدی از فرصت‌های خانوادگی است.» از نظر تالکوت پارسونز زنان نباید در زندگی شغلی از الگوی مردانه پیروی نمایند و در رقابت مستقیم با مردان طبقه خویش برآیند، زیرا تغییر در فرصت‌های شغلی و ایجاد برابری، موجب از هم گسیختگی ساخت خانواده خواهد شد. بنابراین در خانواده زن نقش عاطفی (ابرازی) که همانا فرزند آوری و مراقبت از همسر و فرزندان است را ایفاء می‌کند و مرد نقش نان آوری (ابزاری) که بیرون از خانه است و منجر به کسب درآمد می‌شود را ایفاء می‌کند و معتقد است که اختلاط نقش زن و مرد صدمات جبران ناپذیری به کانون خانواده وارد می‌کند. همچنین هر گونه تغییر در نقش زنان، خطرات زیادی در پی دارد و واگذاری نقش به زنان در امور اقتصادی و سیاسی، سبب تخریب کارکردهای کنونی جامعه می‌شود (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰، ص ۱۱).

ث: نظریه های تجزیه شدن بازار کار ۱۱

یکی از معروفترین تئوریهای تجزیه شدن بازار کار، تئوری بازار کار دوگانه است^{۱۲} که بین دو نوع از مشاغل تمایز قائل می شود: مشاغل بخش اول که از لحاظ پرداخت مزد، تأمین بیشتر و فرصتهای پیشرفت وضع نسبتاً خوبی دارد و مشاغل بخش دوم که با مزد کم، تأمین کمتر و محدودیت امکان پیشرفت روبروست. مشاغل بخش اول مشاغلی است که در آنها مهارت کارگران خاص و متناسب با احتیاج مؤسسه مورد نظر است و در این قسمت در نتیجه نیاز کارفرما به ثبات، مزندهای بهتری به نیروی کار پرداخت می شود و دورنمای پیشرفت بهتری ارائه می گردد. در مشاغل بخش اولیه ثبات کارگر در کار برای کارفرما اهمیت دارد و جابجایی بیشتری که در زنها مشاهده می شود به این معناست که احتمال جذب آنها به مشاغل ثانویه زیادتر است. از اینرو حتی اگر کیفیات قبل از ورود به شغل برابر باشد احتمال به کار گماردن مردها (با فرض داشتن ثبات شغلی بیشتری) در مشاغل اولیه که امکان پیشرفت بعدی در آن از لحاظ مزد، آموزش حرفه ای و ترفیع زیادتر است، بیش از زنهاست.

با اینکه تئوری بازار کار دوگانه به تبیین توزیع مشاغل بین زنها و مردها کمک می کند ولی چگونگی جداسازی بر مبنای جنسیت را در بخشهای اولیه و ثانویه روشن نمی کند. جداسازی جنسیتی مشاغل^{۱۳} هم در بخش اولیه و هم در بخش ثانویه سبب شده است که نویسندگانی نظیر اسکات^{۱۴} پیشنهاد کنند که لازم است جنسیت به عنوان یکی از عواملی که بازار کار را به بندهای مختلف تقسیم می کند در نظر گرفته شود (کار، ۱۳۷۸، صص ۲۱-۲۰).

ج: نظریه راپوپورت ۱۵

راپوپورت در زمینه زنان شاغل معتقد است که ضرورت وجود زن- خانه دار- مادر تنها هنگام جدایی میان محل کار و زندگی حس شد. زیرا کارگرانی که ساعاتی از روز را در کارخانه به کار مشغول بودند، احتیاج به اماکنی مجزا از کارخانه برای تجدید قوا داشتند. آنها در این مکان به باز تولید خود می پرداختند، سرمایه داران به استفاده از نیروی کارگر، با حد اقل هزینه تمایل داشتند، بدین جهت توجهی به اماکن باز تولید کارگران نداشتند. بدین ترتیب این امر (اجتماعی) به واحدهای (خصوصی) خانواده واگذار شد. زیرا هزینه انجام این کار سنگین و غیر ممکن بود و اگر این هزینه بر دوش افراد گذاشته می شد، دیگر ضرورتی برای سرمایه دار (دولت) برای تقبل باز تولید کارگران وجود نداشت، در نتیجه سعی در راندن زنان از بازار کار و تبلیغ غرایز مادری و

همسری کردند و زنها را تشویق کردند که به جای فعالیت در سازمانهای اجتماعی، در خانه برای استراحت و بازتولید مردان کارگر فعالیت کنند. برای تبلیغ این زندگی ادعا می‌شد در پشت سر هر فرد موفق زنی ایستاده است و اگر این زن نبود، مرد در فعالیتهای شغلی خود پیشرفتی نمی‌کرد. زنان در پشت مردان و یا در سایه آنان قرار می‌گرفتند. از اشتغال اجتماعی به دور ماندند و تنها در شرایط خانوادگی، به فراهم آوردن وسایل آسایش و رفاه و راحتی برای "مردان موفق" پرداختند. این ایده آنچنان خوب تبلیغ شد که حتی زنان نیز به آن اعتقاد یافتند. باید در نظر گرفت که اگر این امر رخ نمی‌داد مردان نیز برای موفقیت شغلی خود باید از تشکیل خانواده و ازدواج صرفنظر کنند، در نتیجه تولید نسل و فرزندآوری کاهش می‌یافت همان‌گونه که امروزه به وضوح مشاهده می‌شود در بسیاری از جوامع، زنان موفق مجبور به صرفنظر کردن از ازدواج و تشکیل خانواده و بخصوص فرزندآوری شده‌اند (اعزازی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۰).

چ: نظریه گوردر ۱۶

گوردر در سال ۱۹۷۰ درباره ظهور ایده آل جدیدی از ازدواج- ازدواج "مقارن" نوشت: در ازدواج مقارن، بر تباین میان نقش‌ها و ویژگی‌های زن و شوهر تأکید نمی‌شود، آنچه مورد تأکید است انجام دادن مشترک کارها، با هم بیرون رفتن، کمک به یکدیگر و مهم‌تر از همه، گفتگو با یکدیگر است. ایده ازدواج مقارن را ویلمات^{۱۷} و یانگ^{۱۸} در سال ۱۹۷۵ پروردند. روی جلد کتاب آنها پدری را نشان می‌داد که نوزادی در بغل دارد و مادر به آنها نگاه می‌کند، پیش از آن هم این دو جامعه‌شناس نوشته بودند: شوهر جوان امروز کودکان را صرفاً متعلق به دنیای زن اش نمی‌داند یا گمان نمی‌کند که می‌تواند آنها را به زن (و مادر زن) اش وانهد و خود در فضای مردانه بیاساید. اکنون او هم در مسوولیت تعیین تعداد فرزندان سهیم است هم در تعیین رفاه آنان پس از تولد. بسیاری از شوهران این را می‌پذیرند که، وقتی زن شان هم بیرون از خانه کار می‌کند، آنها موظفند بیشتر در خانه کمک کنند (گرت، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

ح: نظریه الیزابت بک گرنسهایم ۱۹

الیزابت بک گرنسهایم با اشاره به نظریه کارکردگرایان که در آن تقسیم نقش میان زن و مرد به صورت مرد شاغل، زن خانه دار است می‌گوید در الگوی ایده آل خانواده کارکردگرایان کلیه اعضای خانواده حد اقل توقع را از پدر- شوهر دارند و سعی در فراهم کردن آسایش و رفاه و به نوعی محافظت او در برابر مشکلات جهان خارج دارند، تا پدر- شوهر از مشکلات اجتماعی فارغ

گشته و در محیط خانواده امکان شکوفایی و ثبات شخصیت خود را بدست آورد. از دید گرنسهایم این ترکیب اصلاً خانواده نیست، بلکه نوع خاصی از زندگی مجردی است. این مدل زندگی مرد "مجردی" است که زن و فرزند هم دارد. او معتقد است پدیده زن خانه دار - مادر اختراع قرن بیستم است که قدمتی کمی بیشتر از ۱۵۰ سال دارد (اعزازی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱).

خ: نظریه های نئوکلاسیک

نظریه های نئوکلاسیک برای تشریح تفاوت‌های جنسیتی و این که چرا درآمد حاصل از کار زنان کمتر از مردان است به متغیرهایی نظیر مسئولیت‌های خانوادگی، نیروی جسمی، آموزش عمومی، آموزش فنی، ساعات کار، غیبت از کار و جابجایی در کار تأکید می کند که این متغیرها بهره وری کار و عرضه کار را تحت تأثیر قرار می دهد. یکی از فرض‌های اساسی اقتصاددانان کلاسیک این است که در شرایط رقابتی به کارگران مزدی معادل ارزش نهایی محصول پرداخت می شود و در پی این فرض چنین گفته می شود که تفاوت مشاهده شده در درآمد مردان و زنان یا به دلیل بهره وری پائین تر زنها و یا ناشی از نارسائیهای بازار کار است. یک فرض نئوکلاسیکی «اقتصاددانهای جدید خانواده» این است که خانواده ها منابع (وقت و پول) خود را بین افراد خانواده به نحو عقلایی تقسیم می کنند و این امر سبب می شود در سنین پائین تر، زنها سرمایه های مادی انسانی کمتری دریافت کنند و هنگامی که سن آنها بیشتر می شود برای نگهداری کودکان در خانه بمانند. بنابر تئوری نئوکلاسیک درآمد زنها به این علت کمتر از مردهاست که زنها از سرمایه انسانی کمتری که عمدتاً آموزش و پرورش است، بهره مند می شوند و از این رو بهره وری کار پائین تری هم دارند.

تئوری نئوکلاسیک از این جهت حائز اهمیت است که بعضی از تفاوت‌های ناشی از بهره وری بین زن و مرد را که سبب می شود درآمدها بیش از زنها باشد روشن می کند. در واقع سیاست‌های مربوط به بهبود وضعیت زنان در بازار کار غالباً براساس توجه به ضرورت بهبود سطوح آموزش و پرورش و آموزش حرفه ای زنها، که سرمایه انسانی آنهاست، تدوین می شود (کار، ۱۳۷۸، صص ۲۰-۱۵).

د: نظریه فرسایش زودرس

گرچه زن از نظر شرعی مجاز است علاوه بر ارائه خدمات خانگی و پرورش و تربیت فرزند، فعالیت اقتصادی و اجتماعی بیرون از خانه داشته باشد، اما آیا توان تکوینی نیز بر این کار دارد؟ آیا می تواند علاوه بر حضور فعال و بانشاط در خانه و اشتغال به کارهای طاقت فرسای آن، ساعات

مشخصی را در کارخانه، کارگاه، ادارات دولتی، و مراکز قدرت و تصمیم‌گیری حضور چشمگیر داشته باشد؟ آیا برای زنان میسر است در دو عرصه خصوصی و عمومی تلاش و فعالیت داشته باشند؟ خدمات خانگی و رسیدگی به همسر و فرزند کار ارزشمند و اشتغال به کارهای اجتماعی در بیرون از خانه نیز مجاز است اما آیا پرداختن به هر دو به طور کامل و بدون کم و کاست برای زن ممکن است یا انجام یکی سبب بازماندن یا کاهش توجه به دیگری می‌شود؟

بی‌شک ایفای هر دو نقش به طور کامل برای زن در عمل میسر نیست، زیرا محدودیت زمانی به زن اجازه نمی‌دهد در ساعاتی که به فعالیت اقتصادی و اجتماعی اشتغال دارد، به کودک خود رسیدگی کند و خواسته‌های همسر و خانه را هم برآورد.

محدودیت در قدرت نیز سبب می‌شود زن پس از انجام وظیفه اجتماعی و بازگشت از محل کار، با تنی رنجور و روانی خسته در خانه حاضر شود، در نتیجه نتواند نقش همسری و مادری را به خوبی ایفا کند. شواهد تجربی نیز بیانگر آن است که اشتغال زن به امور اقتصادی و اجتماعی وی را از ایفای نقش خانگی باز داشته یا از توجه او به خانه و خانواده می‌کاهد. زنی که شاغل است و مسئولیت اجتماعی بر عهده دارد، اگر ناچار باشد تمام وظایف خانه را طبق سنت‌ها بپذیرد و انجام بدهد، قطعاً دچار تعارض می‌شود، اگر ما به این موضوع توجه نکنیم و مسئولیت خانه و خارج از خانه را بر عهده زن بگذاریم، شاهد فرسایش زودرس زنان خود خواهیم بود. در سال‌های آینده شاهد زنانی خواهیم بود که دیگر تعادل حیاتی ندارند چون بار سنگین دوگانه را نمی‌توانند تحمل کنند.

از طرفی زنان سعی می‌کنند کارهای خانه و بیرون از خانه را به بهترین شکل انجام دهند و همچنان با تقبل کارهای منزل باعث صرفه‌جویی در درآمد خانواده می‌شوند و از این راه رفاه بیشتری به همسر و فرزندان می‌بخشند ولی آنان غافلند که این از خود گذشتگی موجب خستگی و فرسودگی بیش از توان آنها می‌شود. مسلماً اگر در کنار این گونه زنان همسری مهربان وجود داشته باشد با درایت و کمی همکاری مرد در منزل، روحیه زن تازه و شاداب نگه داشته می‌شود، در غیر این صورت زن به تنهایی در زیر فشار بار مسئولیتهای گوناگون زندگی خرد می‌شود.

اگر بنا باشد زن در اجتماع مشاغل بزرگ داشته باشد و با قدرت و صلابت این وظایف را ایفا کند و سپس به خانه بیاید و نقش یک زن عاطفی و جنس دوم را ایفا کند، دچار تعارض می‌شود. همه این اعترافات بیانگر آن است که جمع میان این دو نقش مشکل است. به همین سبب جامعه‌شناسان

ازدواج و مسئولیت های خانگی را یکی از عوامل مؤثر در کاهش کار زنان و از موانع اشتغال آنان معرفی کرده اند (پیام زن، ۱۳۸۴: شماره ۱۶۰).

شی مین^{۲۰} می گوید ترکیب تعهد مادر بودن^{۲۱} با اشتغال و کار با دستمزد مادر، در مواردی به تضاد و تناقض برای زنان منجر می گردد. آنها در مواردی با فشارهای جسمی و روانی همراه می گردند (شیخی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴).

ذ: نظریه کاپلا ۲۲

کاپلا جامعه شناس آمریکایی عقیده دارد: از آنجا که زنان به خاطر طبیعت بچه دار شدن خود دایم در حال ورود و خروج به بازار کار می باشند، زندگی کاری آنها ناپایدار است، و این امر باعث می شود که تجربه اندوزی آنها مستمر و با دوام نباشد. یعنی در فرصتهای خارج از کار (مرخصی و ...)، بسیاری از تجارب خود را نیز از دست می دهند. در مواردی آنها به عنوان نیروی کاری نیمه ماهر و غیر ماهر طبقه بندی می شوند، و به این خاطر در سال ۱۹۸۳ اجرت آنها در یک کار برابر در بریتانیا ۷۴ درصد مردان برآورد شده است. این در حالی است که با تغییر تکنولوژی طی سالهای اخیر، و با دفاعیاتی که از حقوق زنان به عمل آمده، موقعیت کار، اشتغال و اعتبار آنها در سالهای آخر قرن بیستم تا حد زیادی بهبود یافته است. زنان به خصوص در جوامع توسعه یافته در دو دهه آخر قرن بیستم موقعیت متفاوت نسبت به هر زمانی در گذشته به ویژه در جوامع صنعتی به دست آورده اند. این وضعیت کم و بیش در حال ورود به کشورهای غیر صنعتی نیز می باشد (شیخی، ۱۳۸۰، صص ۱۲۵-۱۲۴).

ر: نظریه بارت ۲۳

بارت می گوید: زنان انتظار دارند و معتقدند که آنها می بایست آن گونه تعهدات شغلی را قبول کنند که با تعهدات خانوادگی آنها همسو باشد. آنها می بایست کارهای نیمه وقت را قبول کنند و یا اموری را در خانه انجام دهند، ولو اینکه دستمزد و حقوق نسبتاً کمتری داشته باشند، و خیلی با اهمیت نباشد. بر اساس تحقیقات به عمل آمده در انگلستان سه چهارم زنهایی که در سال ۱۹۸۴ در آن جامعه کار می کردند، کار آنها نیمه وقت و دارای یک فرزند کمتر از ۵ ساله بوده اند. در هر حال، جوامع صنعتی امروزه با این گونه تناقض اشتغال زنان مواجه هستند، و از سویی نیز می خواهند حقوق آنها را ادا کرده باشند. از سوی دیگر، آنها نیروی پایداری برای بخشهای مختلف اقتصادی شناخته نمی شوند. آنچه امروزه به زنان به ویژه در جوامع صنعتی کمک کرده است تا دو

نقش را همزمان بتوانند ایفاء کنند، خود ناشی از محدود شدن جمعیت جوان و نیروی انسانی در آن جوامع است (همان منبع، ۱۲۵).

چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله براساس نظریه پارسونز مبنی بر نظریه ساختاری - کارکردی^{۲۴} بنا شده است. اشتغال زنان یک پدیده مجرد نیست بلکه انتزاعی است. بنابر این در یک مجموعه قرار می‌گیرد و در داخل این مجموعه معنی و تفسیر می‌شود. این مجموعه ساختاری را تشکیل می‌دهند و براساس آن ساختار، کارکردشان را انجام می‌دهند به این معنی که خانواده ساختاری است که دارای کارکردهایی می‌باشد و اشتغال زنان پدیده‌ای است که بر کارکردهای خانواده تأثیر می‌گذارد.

در موضوع «اثرات اشتغال زنان بر خانواده» اشتغال زنان تنها پدیده‌ای نیست که بر خانواده موثر است. زیرا خانواده حکم یک سیستم و ساختار را دارد که عوامل گوناگون روی آن تأثیر می‌گذارد. بنابراین اثرات گوناگونی بر سیستم خانواده وارد می‌شود که یکی از آنها اشتغال زنان است که این امر در گذشته وجود نداشته و اگر هم وجود داشته است، بسیار کم‌رنگ بوده است. خانواده یک کلیت است که عناصر آن بافتی و بهم پیوسته^{۲۵} است. عوامل بسیاری که بر خانواده موثر است ثابت در نظر می‌گیریم و تنها اشتغال زنان را بررسی می‌کنیم که تا چه اندازه بر خانواده و کارکردهایش تأثیر می‌گذارد. اشتغال زنان بر خانواده تأثیرات مثبت و منفی توأمان می‌گذارد. برای مثال زنی که شاغل است و استقلال مالی دارد انتظار دارد که در تصمیم‌گیریهای مهم خانواده مشارکت کند و راجع به مسائلی چون خرید خانه، تحصیلات فرزندان،... اظهار نظر کند پس می‌توان گفت در این موارد خانواده دچار بی‌کارکردی شده است و یا مثلاً اشتغال زنان باعث اتمیزه شدن خانواده می‌شود یعنی خانواده هست ولی دارای بدنه منجمد^{۲۶} نیست که این نیز یک بی‌کارکردی است، اینها همان اثرات منفی اشتغال زنان بر خانواده می‌باشد. از طرفی نیز می‌توان به کارکرد مثبت اشتغال زنان بر خانواده اشاره داشت. مواردی همچون همفکری با همسر که رابطه زن با همسرش از رابطه صرفاً فیزیکی بیرون می‌آید و به نوعی تشریک مساعی و همفکری منجر می‌شود. بنابراین می‌خواهیم بینیم این کلیت یعنی خانواده در قبال اشتغال زنان چه امتیازها و چه آسیب‌هایی پیدا می‌کند و به چه میزان ساختار خانواده با پدیده اشتغال زنان دگرگون شده است و کارکردهایش دچار مشکل و یا بی‌کارکرد شده و توأمان

کارکردهای مثبت اشتغال زنان بر خانواده کدام هستند. هدف اصلی این مقاله بررسی کارکرد مطلوب^{xxvi} و همچنین بی کارکردی^{xxviii} اشتغال زنان بر خانواده می باشد.

روش تحقیق

پدیده های اجتماعی پیچیدگی خاص خود را دارند به طوری که سنجش صفات کیفی آنها توسط ابزار مادی دشوار به نظر می رسد. اما در هر پژوهش اجتماعی، سعی پژوهشگران این است که از طریق شناسایی، تعیین و تعریف شاخصها و متغیرهای مختلف ویژگیهای پدیده مورد مطالعه خود را به زبان آمار و ارقام بیان کنند. در این پژوهش مراحل انجام کار بر اساس الگوی روش علمی تنظیم شده و بعد از طرح پرسش آغازین و با در نظر گرفتن فرضیه های پژوهش مطالعات اکتشافی شامل تهیه و گردآوری متون نظری مربوط با موضوع مورد مطالعه انجام گرفته، سپس جامعه آماری تعیین شده و پس از تهیه و تنظیم پرسشنامه و انجام اصلاحات لازم، در جامعه مورد تحقیق به اجرا گذاشته شده است. رد و تأیید فرضیه های پژوهش با استفاده از آزمون کای اسکور^(۲) (X^۲) می باشد که تحت نرم افزار SPSS انجام پذیرفته است.

متغیرها

متغیر مستقل: متغیر مستقل اشتغال زنان می باشد.

متغیر وابسته: خانواده متغیر وابسته است که متشکل از همسر و فرزندان می باشد.

جمعیت و نمونه

بدیهی است برای انجام هر تحقیق، در صورتیکه مطالعه تمامی اعضای جامعه آماری میسر و مقدور باشد، تمام اعضای جامعه آماری مورد بررسی قرار می گیرد. جامعه مورد نظر در این تحقیق زنان متأهل و شاغل در وزارت کار و امور اجتماعی می باشد که ۲۵۰ نفر می باشند در این تحقیق تمام شماری صورت گرفته است و تعداد ۲۱۱ نفر از پاسخگویان مبادرت به تکمیل پرسشنامه تهیه شده توسط محقق نمودند.

قلمرو مکانی تحقیق

مکان اجرا برای انجام این تحقیق، ستاد وزارت کار و امور اجتماعی می باشد.

روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روشهای اسنادی، آماری و پیمایشی انجام پذیرفته است.

یافته های تحقیق

فرضیه ۱: به نظر می رسد اشتغال زنان باعث فرسایش زودرس و هدر رفتن انرژی مازاد آنها می شود.

توضیح: زنان شاغل به دلیل وظایف مضاعف خود که عبارت است از کارخانه و کار خارج از خانه طبیعتاً ممکن است دچار از دست رفتن زودرس انرژی و شادابی روحی و جسمی خود بشوند. منظور از مفهوم فرسایش همان از دست رفتن توان جسمی و روحی زن شاغل می باشد و نیز انرژی مازاد، به همان نیرویی اطلاق می شود که زنان برای انجام کارهایشان در امورات روزانه مورد استفاده قرار می دهند.

جدول شماره(۱) آزمون معناداری اشتغال زنان باعث فرسایش زودرس و هدر رفتن انرژی مازاد آنها

فرضیه	نوع آزمون	سطح معنی داری	درجه آزادی	نتیجه آزمون
به نظر می رسد اشتغال زنان باعث فرسایش زودرس و هدر رفتن انرژی مازاد آنها می شود.	کای اسکور	۰.۰۰۰۵	۱۲	فرضیه مورد تأیید است

آزمون مورد نظر در سطح معنی داری ۰.۰۵ می باشد و نظر به سطح معنی داری بدست آمده (۰.۰۰۰۵) چون این مقدار کمتر از ۰.۰۵ است می توان چنین استدلال کرد که در ناحیه قبول فرض صفر واقع شده است. پس فرض صفر با اطمینان ۹۵ درصد رد نمی شود یعنی اشتغال زنان باعث فرسایش زودرس و هدر رفتن انرژی مازاد در آنها می شود.

فرضیه ۲: به نظر می رسد زنان شاغل در انجام کارهایشان دچار سندرم تأخیر و تعجیل هستند. توضیح: این مفهوم به معنی این است که زنان شاغل به دلیل کمبود وقت و عدم حضور در منزل ناچار به حذف تعدادی از کارهایشان می باشند و یا در انجام امورات منزل دچار شتاب در کارهایشان هستند و اغلب موارد نیز با تأخیر در کارها مواجه هستند و نمی توانند به موقع و با زمان بندی صحیح وظایف خود را انجام دهند.

جدول شماره(۲) آزمون معناداری زنان شاغل در انجام کارهایشان دچار سندرم تأخیر و تعجیل هستند

فرضیه	نوع آزمون	سطح معنی داری	درجه آزادی	نتیجه آزمون
به نظر می رسد زنان شاغل در انجام کارهایشان دچار سندرم تأخیر و تعجیل هستند	کای اسکور	۰.۰۰۰۵	۱۱	فرضیه مورد تأیید است

آزمون مورد نظر در سطح معنی داری ۰.۰۵ می باشد و نظر به سطح معنی داری بدست آمده (۰.۰۰۰۵) چون این مقدار کمتر از ۰.۰۵ است می توان چنین استدلال کرد که در ناحیه قبول

فرض صفر واقع شده است. پس فرض صفر با اطمینان ۹۵ درصد رد نمی شود یعنی زنان شاغل در انجام کارهایشان دچار سندرم تأخیر و تعجیل هستند.

فرضیه ۳: به نظری می رسد در فصل تعطیلات زنان شاغل در نگهداری کودکان محصل خود دچار مشکل می شوند.

توضیح: نظر به حضور زنان شاغل و مشارکت آنها در فعالیتهای اجتماعی، کودکان آنها بیش از نیمی از روز را در مهد کودکی سپری می کنند و رفتارها، ارزشها و الگوهای بسیاری را از این مکانها کسب می کنند بنابراین برای به ثمر نشستن این نهالهای شکنده و کمک به رشد صحیح آنان باید محیطی امن و عاری از هر انحرافی برای تربیت آنان فراهم ساخت، در این صورت مادران شاغل نیز با خاطری آسوده تر به انجام فعالیت خود می پردازند. همچنین برای بیشتر خانوادههای ایرانی، فصل تابستان هم دغدغه اوقات فراغت را با خود دارد. بچه ها، امتحانهای آخر سال را داده اند و پدر و مادرها به چگونگی پر کردن اوقات فراغت آنها فکر می کنند و به این ترتیب زنان شاغل دچار دغدغه ای مضاعف مبنی بر نگهداری از کودکان محصل خود نیز خواهند شد، لذا ناچاراً آنها را در خانه تنها رها کرده و یا با خود به محل کارشان می آورند.

جدول شماره (۳) آزمون معناداری در فصل تعطیلات زنان شاغل در نگهداری کودکان خود دچار مشکل می شوند

فرضیه	نوع آزمون	سطح معنی داری	درجه آزادی	نتیجه آزمون
به نظری می رسد در فصل تعطیلات زنان شاغل در نگهداری کودکان خود دچار مشکل می شوند.	کای اسکور	۰.۰۰۰۵	۸	فرضیه مورد تأیید است

آزمون مورد نظر در سطح معنی داری ۰.۰۵ می باشد و نظر به سطح معنی داری بدست آمده یعنی ۰.۰۰۰۵ چون این مقدار کمتر از ۰.۰۵ است می توان چنین استدلال کرد که در ناحیه قبول فرض صفر واقع شده است. پس فرض صفر با اطمینان ۹۵ درصد رد نمی شود یعنی در فصل تعطیلات زنان شاغل در نگهداری کودکان خود دچار مشکل می شوند.

همچنین با مطالعه نظری پرسش نامه ها این نتیجه حاصل شد که اکثر پاسخ دهندگان بر این باورند که برای رفع این مشکل باید مکانهای کنونی نگهداری کودکان توسعه یافته و در صورت لزوم در حد کفایت و آسودگی خاطر زنان شاغل سازمان کاری آنها مکانهای مناسب احداث کند به طوری که فرزندان محصل آنان نیز در فصل تعطیلی مدارس تنها نمانده و مادر نیز با آرامش خاطر به فعالیت کاری خود بپردازد.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد اشتغال زنان بر بعد خانواده آنها تأثیر می‌گذارد.

جدول شماره (۴) آزمون معناداری تأثیر اشتغال زنان بر بعد خانواده آنها

فرضیه	نوع آزمون	سطح معنی داری	درجه آزادی	نتیجه آزمون
به نظر می‌رسد اشتغال زنان بر بعد خانواده آنها تأثیر می‌گذارد	کای اسکور	۰.۰۰۰۵	۸	فرضیه مورد تأیید است.

توضیح: منظور از بعد خانواده همان تعداد افراد خانواده است.

با در نظر گرفتن سطح معنی داری ۰.۰۵ برای این آزمون، با توجه به اینکه مقدار احتمال برای فرض صفر، ۰.۰۰۰۵ بدست آمده است لذا فرض صفر با اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود و به عبارتی می‌توان ادعا کرد اشتغال زنان بر بعد خانواده آنها تأثیر می‌گذارد.

همچنین با مطالعه نظری پرسشنامه‌ها و بررسی پاسخ‌های جمع‌آوری شده مشخص گردید که حدود ۸۰ درصد از زنان شاغل دارای یک فرزند هستند در حالی که اکثریت آنها با داشتن دو فرزند کاملاً موافق‌اند. این نتیجه نیز روشن می‌سازد که تعداد آرمانی فرزندان زنان شاغل با تعداد کنونی فرزندان آنها یکی نیست. به عبارتی زنان شاغل به دلیل فعالیت خارج از خانه و به دنبال آن محدودیت زمان ناچارند به خانواده‌هایی با بعد کمتر بسنده کنند.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد اشتغال زنان هرم قدرت خانواده را افقی می‌کند.

توضیح: شاخص‌های سنجش هرم قدرت عبارتند از:

الف - تصمیم‌گیری و فرآیند آن در خانه

ب - نحوه اعمال قدرت

ج - مردسالاری و بقایای آن

اینکه در خانه چه کسی تصمیمات مهم را می‌گیرد و اعمال قدرت در خانواده با جبر و زور صورت می‌پذیرد یا خیر؟ و همین‌طور اینکه آیا حرف آخر تصمیمات و امورات خانواده در مرد آن خانواده خلاصه می‌شود این مطلب در هرم قدرت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۵) آزمون معناداری تاثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت خانواده

فرضیه	نوع آزمون	سطح معنی داری	درجه آزادی	نتیجه آزمون
به نظر می رسد اشتغال زنان هرم قدرت خانواده را افقی می کند.	کای اسکور	۰.۰۰۰۵	۱۱	فرضیه مورد تأیید است.

با در نظر گرفتن سطح معنی داری ۰.۰۵ برای این آزمون، با توجه به اینکه مقدار احتمال برای فرض صفر، ۰.۰۰۰۵ بدست آمده است لذا فرض صفر با اطمینان ۹۵ درصد رد نمی شود و به عبارتی می توان ادعا کرد اشتغال زنان هرم قدرت خانواده را افقی می کند و این بدان معناست که زنان شاغل در تصمیم گیریهای مهم خانواده مشارکت می کنند.

فرضیه ۶: به نظر می رسد اشتغال زنان بر روابط و مناسبات آنها با همسرانشان تأثیر می گذارد. توضیح: منظور از این مفهوم وظایفی است که زنان در قبال همسرانشان به آن محول شده است که دارای دو جنبه مادی و معنوی می شود. جنبه معنوی مانند گفتگو و همفکری با همسر و جنبه مادی مانند مبادرت و ورزیدن به انجام وظایف جنسی که مجموع این مفاهیم روابط و مناسبات با همسران را شکل می بخشد.

جدول شماره (۶) آزمون معناداری تاثیر اشتغال زن بر روابط و مناسبات آنها با همسرانشان

فرضیه	نوع آزمون	سطح معنی داری	درجه آزادی	نتیجه آزمون
به نظر می رسد اشتغال زنان بر روابط و مناسبات آنها با همسرانشان تأثیر می گذارد.	کای اسکور	۰.۰۰۰۵	۱۳	فرضیه مورد تأیید است

با در نظر گرفتن سطح معنی داری ۰.۰۵ برای این آزمون، با توجه به اینکه مقدار احتمال برای فرض صفر، ۰.۰۰۰۵ بدست آمده است لذا فرض صفر با اطمینان ۹۵ درصد رد نمی شود و به عبارتی می توان ادعا کرد اشتغال زنان بر روابط و مناسبات آنها با همسرانشان تأثیر می گذارد.

با مطالعه نظری پرسشنامه های تحقیق نیز نتیجه ای مشابه بدست آمده است. زیرا حدود ۸۵ درصد پاسخ دهندگان حدود نیم ساعت در شبانه روز را به گفتگو و تفریح با همسر خود اختصاص داده اند. اگرچه آنها سعی شان بر این است که در طی شبانه روز با همسر خود گفتگو و همفکری کنند اما مدت آن مطلوب به نظر نمی رسد.

نتیجه گیری

در حال حاضر تناقضی بین ضرورت گسترش آموزش از یک سو و نهادها و باورهای موجود بر سر راه مشارکت زنان از سوی دیگر، وجود دارد که علت اساسی آن ریشه در خانواده‌ها و فرهنگ دارد. در واقع وقتی انسان به واسطه آموزش تبدیل به سرمایه شد، دیگر یک کالای عمومی است و نمی‌توان آن را حبس کرد، چنانچه باید برای این مشکل چاره‌ای اندیشید. از طرفی اگر هم بر آن باشیم که توسعه‌ای واقعی، موزون و پایدار در کشور ایجاد کنیم، باید به این نکته واقف باشیم که اولاً: چنین توسعه‌ای بدون افزایش دائم و سریع سهم زنان در عرصه‌های اجتماعی ممکن نیست و ثانیاً: این اقدام تنها از طریق ایجاد عدالت در سیستم آموزشی ممکن نخواهد بود بلکه باید آن را به عدالت در توزیع امتیازات اجتماعی - و از همه مهمترین آنها حق اشتغال - انجام دهیم. لیک دخالت دولت در این زمینه برای ایجاد تعدیل و فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت و جذب زنان به بازار کار، ضروری است.

از طرفی، با توجه به تحولات وضعیت آگاهی زنان و فشارهای اقتصادی و تلقی اشتغال زنان و توزیع فرصتهای شغلی بین زنان و مردان به عنوان یکی از معیارهای توسعه جامعه، امروزه اشتغال زنان در جوامع روندی روبه رشد داشته است اما باید براساس زمینه‌های فکری و فرهنگی باشد که زن هم بتواند در حوزه شغلی خود به خود شکوفایی برسد و هم بر تربیت فرزندان، همسرداری و امورات منزل خللی وارد نشود و این امر مستلزم بسترهای متعددی مانند رشد فکری همسران، گسترش نهادهای یاری دهنده امور خانواده مانند مهد کودک، ملاحظاتی شغلی نسبت به زنان است.

بنابراین ترکیبی از تعبیر در حیطه خصوصی و عمومی مورد نیاز است. در حیطه خصوصی، نقشهای جنسیتی باید به تغییر ادامه دهند بطوریکه مردان نیز در کارهای خانه مشارکت داشته باشند. در حیطه عمومی به سیاستهای نوین اجتماعی نیاز داریم که توسط دولت طرح ریزی می‌شود و حمایت واقعی برای خانواده‌هایی فراهم کند که دو تن آن‌ها آور دارند سیاستهایی که کاملاً حامی و طرفدار خانواده باشد. اگر جامعه ما بخواهد فرزندانمان داشته باشد که در خانواده هسته‌ای پرورش یابند، باید حمایتی از این خانواده بعمل آورد. دولت باید پرستاری از کودکان را با کیفیتی عالی و قابل دستیابی بهبود بخشد. باید شرکتهای سازمانها توسط دولت تشویق شوند تا مرخصی والدین با گرفتن حقوق را برای مادران و پدران فراهم آورد و فرصتهایی برای کارنیمه وقت با انعطاف پذیری زمانی و امکان مشارکت در کار را ایجاد کند، همچنین باید سیاستهای واحدی در مورد

پرداخت دستمزد مساوی داشته باشیم بطوریکه دستمزد زنان نیز عادلانه شود. تنها از طریق تغییر در
 حیطة خصوصی و عمومی است که می توانیم به نوع جدیدی از ثبات اجتماعی در زمینه اشتغال
 زنان دست یابیم.

پی نوشت ها

- | | |
|--|---|
| 1- Genoer (feminist) theories | 15- Rapoport |
| 2- Freedman(1982) | 16- Gorer |
| 3- Vanek (1974)-Molyneux (1981)- Bodrova
& Anker (1985) | 17- Wilmott |
| 4- Sexual Harassment | 18-Young |
| 5- Farley (1978) | 19-Elisabeth Beck-Gernsheim |
| 6-Glass Ceiling | 20- Shimmin (1981) |
| 7- Oakley | 21- Motherhood |
| 8- Millett (1971) | 22- Caplow (1954) |
| 9- Mitchell (1971) | 23-- Barrett (1980) |
| 10- Functionalism | 24-Functional –structuralism ¹ |
| 11- Segmentation of labour market theories | 25- Articulated |
| 12- Dual labour market theory | 26- Integrated body |
| 13- Sex segregation of occupation | 27- Enfunction |
| 14- Scott | 28- Dysfunction |

منابع

- اوتادی، مریم(۱۳۸۰). "تأثیر اشتغال زنان بر سلامت روان همسرانشان". پایان نامه کارشناس ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س).
- اعزازی، شهلا(۱۳۸۰). **جامعه شناسی خانواده**. تهران: روشنگران و مطالعات زنان،
- توسلی، غلامعباس(۱۳۸۰). **جامعه شناسی کار و شغل**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ذاکر، مهرزاد(۱۳۸۶). "اشتغال زنان و باز تعریف هرم قدرت در خانواده". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- زن بر دوراهی خانه و بازار(۱۳۸۴). **مجله پیام زن** شماره ۱۶۰.
- ساروخانی، باقر(۱۳۵۴). **اثرات اشتغال زن بر خانواده (تحقیقی در شهر تهران)**. امور فرهنگی دانشگاه تهران.
- ساجد، اقدس(۱۳۵۷). "اثرات اشتغال زنان بر خانواده. پایان نامه". کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- سفیری، خدیجه(۱۳۷۷). **جامعه شناسی اشتغال زنان**. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تیان،
- شادی طلب، ژاله(۱۳۸۱). **توسعه و چالش های زنان ایران**. تهران: نشر قطره،
- شیخی، محمد تقی(۱۳۸۰). **جامعه شناسی زنان و خانواده**. تهران: شرکت سهامی انتشار،
- کار، مهر انگیز(۱۳۷۸). **زنان در بازار کار ایران**. تهران: روشنگران و مطالعات زنان،
- گاردنر، ویلیام(۱۳۸۶). **جنگ علیه خانواده**. ترجمه معصومه محمدی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان،

۷۸..... مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال دوم/شماره اول/ زمستان ۱۳۸۸

گرت، استفانی (۱۳۸۲). **جامعه‌شناسی جنسیت**. ترجمه کتابیون بقایی. تهران: نشر دیگر، چاپ دوم.
مدنی گیوی، فریبا (۸۶ - ۱۳۸۵). "بررسی عوامل موثر بر پیامدهای اشتغال زنان". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰). **زنان، توسعه و تعدد نقش‌ها**. تهران: انتشارات برگ زیتون، موسوی، بتول (۱۳۷۸). "بررسی اشتغال زنان متأهل و مشکلات آنان (با نگاهی به تأثیرات اشتغال زنان در خانواده)". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی تهران.
میشل، آندره (۱۳۵۴). **جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج**. ترجمه فرنگیس اردلان. انتشارات دانشگاه تهران، هاید، جانت شیلی (۱۳۸۳). **روانشناسی زنان**. ترجمه دکتر اکرم خمسه. [تهران]: آگه، ارجمند، همتی، فاطمه (۱۳۸۴). "مقایسه تأثیر ساعت کار ثابت و متغیر بر احساس فشار روانی زنان شاغل متأهل و اثر آن بر کارایی خانواده". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

ILO (2008): Global Employment Trends for Women

http://www.ilo.org/global/About_the_ILO/Media_and_public_information/Press_releases/lang--en/WCMS_091102/index.htm#1
